رویکردهای پژوهشی در علوم اجتماعی، شماره ۸ ،زمستان ۱۳۹۵، ص ۲۲۲- ۲۱۲

ISSN: 2476-3675
http://www.RassJournal.ir

مجله علمی رویکردهای پژوهشی در علوم اجتماعی (سال دوم)
شماره ۸ / زمستان ۱۳۹۵ / ص ۲۲۲- ۲۱۲

چشم‌اندازی بر دیدگاه زنان مبتلا به اعتیاد جنسی

مژگان مشتاق[۱]، حسن رفیعی[۲]، ژیلا میرلاشاری[۳]

[۱] دانشگاه علوم بهزیستی وتوانبخشی، گروه مدیریت رفاه اجتماعی

[۲] دانشگاه علوم بهزیستی وتوانبخشی، گروه مدیریت رفاه اجتماعی

[۳] دانشگاه علوم پزشکی تهران، دانشکده پرستاری و مامایی

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

مژگان مشتاق

mojeemoshtagh@yahoo.com

چکیده

هویت تهدید شده به دلیل تجارب تلخ، تصمیمات دشوار و از دست دادن فرد یا داشته مهم در زندگی انسان بروز می‌کند. در سابقه مبتلایان زنان مبتلا به اعتیاد جنسی، میزان بالایی از آسیب‌های کودکی گزارش شده است. مطالعه حاضر به منظور درک دیدگاه زنان مبتلا به اعتیاد جنسی صورت گرفته است. روش این مطالعه از نوع کیفی با رویکرد تحلیل محتواست. داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق با ۱۱ نفر از اعضای انجمن معتادان جنسی گمنام دو شهر ایران، پنج تن از مراجعین مراکز روان‌درمانی و یک درمانگر کسب شدند. احساس تهدید در هویت فردی، نارضایتی از هویت جنسی یا جنسیتی، گسستگی در پیوستار هویت، و بازسازی هویت در پاسخ به تهدید، چهار طبقه حاصل از داده‌های پژوهش هستند. احتمالا تجارب دردناک عاطفی با توسعه احساس تعارض یا ضعف جنسی و جنسیتی یا به عبارتی تهدید هویت فرد، زمینه‌ساز گرایش به این نوع از اعتیاد شده است.

واژگان کلیدی: تهدید هویت، هویت جنسیتی، اعتیاد جنسی، زنان ایران

ISSN: 2476-3675
http://www.RassJournal.ir

مقدمه

اریکسون مسائل روانی، اجتماعی در مراحل مختلف سنی که نقاط آسیب‌پذیری برای فرد محسوب می‌شوند را بحران در رشد خود می‌نامد. تغییر در هویت، هنگامی بروز می‌کند که فرد با حوادثی مواجه شود که تعادل هویت را مختل کند[۱]. شکل‌گیری هویت یک فرایند پیچیده است. با تغییر سن و در پاسخ به حوادث بحرانی زندگی، هویت می‌تواند بازسازی شده و تجدید شکل یابد [۲, ۳]. ساختار هویت متشکل از دو بعد است: بعد محتوا و بعد ارزش. بعد محتوا شامل ویژگیهای تعیین کننده هویت است که فرد برای توصیف خود ارائه می‌کند. این ویژگی‌ها شخص را منحصر به فرد و متفاوت می‌سازند و تصویر روانشناختی متفاوتی از او نمایان می‌کنند. دومین محور هویت، بعد ارزشی است. هر جزئی در بعد محتوا به یک ارزش اتصال دارد. این ارزش می‌تواند مثبت باشد یا منفی و متأثر از باورهای اجتماعی نهادینه شده در سیستم ارزشی درون فردی است. ارزش اجزاء ثابت نبوده و بسته به تغییرات در سیستم‌های ارزش اجتماعی و موقعیت فرد قابل بازنگری و ارزیابی مجدد هستند[۴, ۵]. طبق تئوری فرایند هویت، ساختار هویت توسط فرایند ارزیابی و فرایند ترکیب/ تطابق، مدیریت و کنترل می‌شود و از طریق تفکر، عمل و احساس آشکار می‌شود. فرایند ارزیابی به معنی و ارزش محتویات هویت بر می‌گردد. در فرایند دو بعدی ترکیب/ تطابق، بعد ترکیب به جذب یا ورود اجزای جدید به ساختار هویت اشاره دارد و تطابق، به تعدیل یا اصلاحاتی که به منظور یافتن یک مکان برای اجزای جدید در ساختار موجود ایجاد می‌شود. تغییر هویت توسط اصول هویت هدایت می‌شود[۶]. چهار اصل هویت عبارتند از:

۱- پیوستگی و انسجام در طول زمان و موقعیت

۲- منحصر به فرد بودن یا تمایز از دیگران

۳- احساس اطمینان و توانایی کنترل بر زندگی (خودکارآمدی)

۴- احساس ارزش فردی یا اجتماعی (عزت نفس)[۷]. هر یک از اصول هویت، نیازهایی را برای فرد ایجاد می‌کنند. وقتی این نیازها با هم تناقض بیابند موجب آشفتگی و اختلال در فرایند هویت می‌شوند. بر مبنای این دیدگاه به نظر می‌رسد که هویت تهدید شده مرتبط با تعارض بین نیازهای فردی مختلف یا تعارض بین نیازهای فردی و انتظارات اجتماعی باشد. هنگامی که یکی از اصول هویت توسط تغییرات در زمینه اجتماعی محدود شود، هویت فرد دچار تهدید گردیده و برای تسکین تهدید از استراتژی‌های سازگاری استفاده می‌کند. این استراتژی، فعالیتی است که هدفش از بین بردن تهدید یا اصلاح آن است. استراتژی‌های سازگاری، معمولا در سطح درون روانی اتفاق می‌افتند ولی می‌توانند اقدام بین فردی یا بین گروهی را نیز در بر گیرند. بسته به روش واکنش به تهدید، ممکن است فرد راه حل سازگارانه بیابد یا موقعیت تهدید کننده تشدید گردیده و منجر به به بحران جدی هویت شود[۷]. شکل‌گیری اولین هویت در اواخر نوجوانی؛ بر اساس هویت و همانندسازی‌های دوران کودکی است که فرد در زمینه‌های اجتماعی شدن تجربه می‌کند و در آینده به آن باور می‌یابد. طبق نظر اریکسون، وقتی نوجوان قادر به مدیریت اولین بحران هویت نباشد دچار تردید در تمامیت وجودی خود می‌شود. بنابراین ممکن است از لحاظ اجتماعی، ایزوله و از دیگران جدا شود یا بالعکس حس اغراق آمیزی نسبت به اهمیت خود پیدا کند و موقعیت‌های افراطی و شدیدی را انتخاب کند[۱].

هویت؛ یک حقیقت عینی و قابل کشف نیست، بلکه یک ایده یا یکسری از ایده‌ها و عقایدی است که مردم در طول دوره زندگی و از طریق تعامل فرایندهای ارتباطی، احساسی و شناختی درون زمینه‌های خاص محلی و همچنین زمینه فرهنگی و تاریخی برمی‌سازند و بازسازی می‌کنند[۸]. تکامل جنسی، بخشی از فرایند تکامل هویت فردی است که هر دو بعد هویت جنسیتی و گرایش جنسی را شامل می‌شود. گرایش جنسی انسان، الگوهایی از جذابیت جسمی، احساسی، جنسی و عاشقانه برای دیگران را شامل می‌شود[۹, ۱۰]. بر اساس مدل تکامل جنسی (۲۰۰۵)، معانی ذهنی و تجارب فرد از جاذبه جنسی- جسمی، ارتباطی و عاشقانه بر نحوه درک جنسی او مؤثرند. رفتارهای پرخطری که سلامت فردی را تهدید می‌کنند با تجارب بد کودکی مرتبط هستند [۱۱]. اعتیاد جنسی، یک رفتار جنسی اجبارگونه[1] است که انواع مختلفی از رفتارهای جنسی مشکل‌آفرین را در بر می‌گیرد و علیرغم ایجاد عواقب منفی، با بروز تحمل، تشدید رفتار[2]، بروز محرومیت و از دست دادن کنترل ارادی همراه است [۱۲].

---

[1] compulsive
[2] Escalation

ISSN: 2476-3675
http://www.RassJournal.ir

میزان بالایی از آسیب‌های کودکی در سابقه مبتلایان به اعتیاد جنسی گزارش شده و میزان و شدت این آسیب‌ها در زنان بیشتر بوده است [۱۳-۱۶]. همبستگی مثبت و بارزی بین این اعتیاد و آزارهای های کودکی، افسردگی و سوء مصرف مواد گزارش شده است [۱۴]. بروز افسردگی، اختلال کارکرد جنسی و سوء مصرف مواد، اختلالات خلقی و اضطراب [۱۷] [۱۸]، همچنین ابتلا به آسیب‌ها و عفونت‌های مقاربتی، بارداری ناخواسته، سقط جنین و ایدز همزمان با این اختلال گزارش شده است [۱۹] [۱۷, ۲۰, ۲۱]. به دلیل گزارش کمتر از واقعیت، تفاوت در تعاریف و چالش‌های زیاد مرتبط با انجام تحقیق جنسی، تخمین صحیح از میزان شیوع آن دشوار بوده [۱۸] و در جمعیت عمومی از ۳٪ تا۲۱٪ نوسان دارد [۲۲]. طبق تخمین‌های برآورد شده، تقریبا نیمی از جمعیت مبتلا به این اعتیاد را زنان تشکیل می‌دهند[۱۹]. بر اساس مدل تکامل گرایش جنسی هاماک و با توجه به این که هویت و رفتار، رابطه‌ای متقابل و دوجانبه دارند، این سؤال مطرح می‌شود که چه تجاربی در سیستم ارزشی این زنان موجب تغییر رفتار آنان شده است؟ چه احساسات و تجاربی در سیستم معنایی زنان مبتلا به اعتیاد جنسی وجود دارد؟ به عبارت دیگر معانی فردی و تجارب مرتبط با رفتار جنسی اجباری در این زنان چه هستند؟ بنابراین مطالعه حاضر به منظور درک دیدگاه زنان مبتلا به اعتیاد جنسی صورت گرفت.

روش

این مطالعه با روش کیفی و رویکرد تحلیل محتوا از نوع متعارف یا قراردادی صورت گرفت. نمونه‌گیری پژوهش ابتدا به صورت هدفمند و گلوله برفی بود، سپس به سمت نظری هدایت شد. پس از گرفتن مجوز از کمیته اخلاق دانشگاه، اولین فرد از انجمن معتادان جنسی گمنام برای شرکت در مصاحبه انتخاب شد. از طریق این عضو، امکان اتصال پژوهشگر به سایر افراد انجمن فراهم گردید که همه در مرحله درمان و سنین ۳۵-۲۰ بودند و بر اساس ارزیابی انجمن (غربالگری با آزمون کارنز) و گزارش خود، معتاد جنسی اعلام شده بودند. در نهایت ۱۱ نفر از اعضای انجمن معتادان جنسی گمنام دو شهر ایران، پنج نفر از مراجعین مراکز روان‌درمانی (تشخیص متخصص) و یک نفر از درمانگران برای شرکت در مصاحبه نیمه ساختار یافته انتخاب شدند. به جز دو مورد که مایل به مصاحبه حضوری بودند، سایر مصاحبه ها از طریق تلفن و در طی یک تا سه جلسه و زمان بین ۶۰ تا ۱۹۰ دقیقه انجام شد. با کسب اجازه از شرکت کنندگان، مصاحبه ها ضبط و پیاده سازی شدند. تجزیه و تحلیل داده‌ها همزمان به هر دو صورت دستی و با کمک نرم افزار MAXQDAT 10 انجام شد.

محقق اول پس از مرحله کدگذاری باز، سایر مراحل را با مشارکت و نظارت محقق دوم انجام داد. سپس برای افزایش اعتبار یافته‌ها، کدگذاری توسط سایر اعضاء تیم تحقیق بررسی شده و نظرات آنها در رابطه با انتخاب طبقات و نام گذاری آنها مورد توجه قرار گرفت. جهت اطمینان از صحت یافته‌ها و دست یافتن به داده‌های غنی و متنوع، علاوه بر مصاحبه‌های فردی، از جلسات گروهی با اعضای انجمن و مصاحبه با متخصصین نیز کمک گرفته شد. برای افزایش قابلیت انتقال داده‌ها، نمونه‌ها از طبقات متفاوت اقتصادی، اجتماعی و سطوح مختلف تحصیلی انتخاب شدند. برای افزایش قابلیت اعتماد، محقق اول سعی کرد از طریق تعامل طولانی با مصاحبه‌شوندگان و مشاهده مکرر داده‌های کسب شده، تحلیل موارد منفی و مغایر، استفاده از نظرات اصلاحی اساتید و همکاران مجرب در زمینه تحقیق کیفی و در نهایت نظر بازخوردی افراد مبتلا به اعتیاد جنسی در مورد تم‌های به دست آمده و میزان انعکاس دنیای آنان در یافته‌ها و داستان توصیفی پژوهش، باورپذیری یا اعتبار بیشتری برای یافته‌ها کسب کند. به این منظور طبقات و داستان توصیفی برای چهار نفر از شرکت کنندگان در مصاحبه‌ها و چهار نفر از افراد مبتلا که در پژوهش شرکت نداشتند فرستاده شد.

ISSN: 2476-3675
http://www.RassJournal.ir

جدول ۱) مشخصات فردی، خانوادگی شرکت کنندگان

ویژگی‌های شرکت کننده		تعداد شرکت کننده
سن	۳۰ سال >	۵
	۳۰ سال <	۱۱
وضعیت تأهل	مجرد	۹
	متأهل	۳
	مطلقه	۴
تحصیلات	دیپلم	۶
	فوق دیپلم	۱
	لیسانس	۶
	فوق لیسانس	۱
	دانشجوی دکتری	۲
رتبه تولد فرزند	فرزند آخر	۷
	فرزند اول	۳
جمعیت خانواده	۴ فرزند <	۱۱
	۴ فرزند = یا <	۵
اعتیاد در خانواده	اعتیاد پدر	۵
	اعتیاد برادر یا خواهر	۷

یافته‌ها

بر اساس داده های حاصل از مصاحبه ها، عوامل روانی، اجتماعی متعددی به عنوان تجارب زنانه مرتبط با رفتار جنسی اعتیادگونه یا هویت زنانه مبتلا به اعتیاد جنسی شناسایی شدند. پس از ترکیب نهایی، چهار طبقه از داده‌های پژوهش به دست آمد.

جدول۲) طبقات حاصل از داده ها

طبقات اصلی	زیرطبقات
۱) نارضایتی از وجود و جنسیت خود	۱- ۱) احساس رنجش از ضعف زنانه ۲- ۱) احساس تبعیض جنسی و جنسیتی
۲) جنسی شدن زن در جامعه دو ارزشی	
۳) دوگانگی احساسی به پدر و جنس مخالف	
۴) پنداشت ناهنجار از عشق (رابطه جنسی، کلید آرامش و کامیابی)	

۱) نارضایتی از وجود و جنسیت خود

تجربه بحران، اختلافات خانوادگی و تنش‌های خانواده، همچنین مواجهه با آزارهای گوناگون جسمی، جنسی، عاطفی و ناتوانی در کنترل یا تغییر شرایط به ویژه زمانی که حریم خصوصی و هویت کودک مورد تهدید قرار گرفته، حس منفعل بودن و قربانی را در فرد توسعه داده و سبب خصومت و رنجش او شده است.

ISSN: 2476-3675
http://www.RassJournal.ir

۱- ۱) احساس رنجش از ضعف زنانه

تجربه ضعف یا احساس بی‌دفاعی زنان در برابر قدرت مردان، آزارهای جسمی، جنسی و عاطفی، احساس فقدان زیبایی و جاذبه ظاهری، همچنین ناتوانی در جلب رضایت و تأیید والدین به ویژه پدر، جدایی از پدر به خاطر ازدواج مجدد او، ترس زیاد از قدرت و خشم پدر و جنس مرد موجب شده تا حس منفعل بودن و نقص در او توسعه یابد و از هویت و جنسیت خود رضایت نداشته باشد. او همواره در پی فرصتی است تا ضعف و بی‌کفایتی خود را جبران کند و کنترل از دست رفته خود را باز یابد. چند نمونه از این احساسات ناگوار:

"وقتی پدرم جلوی چشم ما، مادرم رو کتک می‌زد احساس می‌کردم فلج شدم. حس میکردم موجود بی‌دفاعی هستم که قدرت و کنترلی تو زندگی ندارم".

"تا قبل از این که برم پیش روانشناس، از برادرهام خیلی رنجش داشتم و دائم خودم رو سرزنش می‌کردم چون احساس ضعف می‌کردم و فکر می‌کردم مظلوم واقع شدم ".

"من اصلا احساس رضایت از خودم نداشتم. یکساعت جلوی آینه بودم و آرایش میکردم بعد میگفتم نه بده پاک میکردم و دوباره انجام میدادم. من خودم رو تو وجود مردها پیدا می‌کردم. نیاز داشتم یکی پیدا بشه منو کامل کنه".

۲- ۱) احساس تبعیض جنسی و جنسیتی

برای برخی از این زنان احساس کم توجهی از جانب دیگران به ویژه توسط پدر و جنس مخالف در مقایسه با هم جنس‌های خود (خواهر یا زنان دیگر) که ظاهر بهتر و جاذبه بیشتری دارند موجب شده تا فرد از طرفی دچار احساس نقص جنسی و خودکم بینی(حقارت) شود و از طرف دیگر به جنس مخالف بدبین و بی‌اعتماد گردد. در مواردی که ارزش قائل شدن بیشتر برای جنسیت مرد در خانواده مرسوم بوده، همچنین در شرایطی که قدرت تفکر، اختیار، انتخاب و بیان خواسته‌هایش به واسطه زن بودن، از او سلب گشته، مسبب توسعه این باور شده که "من ضعیف و بی‌ارزشم و جنس مرد توانمند و برتر است".

"توی خانواده و فامیل (مخصوصا پسرهای قوم و خویش) همیشه فقط به خواهر کوچکم توجه می‌کردند، چون خوشگل و جذاب و سر و زبون دارتر از من بود. من همیشه به اون حسادت میکردم و فکر میکردم مورد توجه هیچ کس نیستم و کسی بهم اهمیت نمیده ".

"مادرم همیشه برای پسرها اهمیت زیادی قائل می‌شد. حرف و نظر اونا مهم بود. حتی وقتی برادرهام مثل بابا زور می‌گفتن و خشن برخورد می‌کردن، مامانم به من و خواهرهام می‌گفت شما ساکت باشید و حرف نزنید".

۲) جنسی شدن زن در جامعه دو ارزشی

موقعیت و جایگاه زن جوان در جامعه‌ای که به لحاظ فرهنگی، در تقابل و رقابت دائمی با فرهنگ برون‌مرزی قرار گرفته وی را سردرگم کرده است. آماج تبلیغات، اینترنت و ماهواره تصویر زن خواستنی، سکسی و زیبا را به عنوان ارزش معرفی می‌کند. زنی که به شدت گرفتار ظاهر بوده و برای جلب توجه مردان، خود را در معرض دید گذاشته و زیبایی و لوندی او منجر به فروش بیشتر در کمپانی‌ها و تجارت شده است. از طرفی در جامعه ملی و فرهنگ داخلی، مسائل جنسی تابوست. زن همواره عامل تزلزل، لغزش و انحراف جنس مخالف در نظر گرفته شده و انگشت اتهام، شرم و گناه به سوی اوست. به عبارتی با وجود تفاوت های فرهنگی و ایدئولوژیکی، رنگ و بوی هر دو دیدگاه بیگانه و بومی به شدت جنسی و جنسیتی می باشد.

"توی خونه، مدرسه و دانشگاه، همیشه برای خطا نکردن ما از تنبیه شدید استفاده می‌شد. ما رو از خشم و غضب خدا ترسونده بودن. همیشه میگفتن از خدا بترسین. نماز بخونین، حجاب داشته باشین، این جور و .. وگرنه خدا از موهاتون آویزونتون میکنه. هیچ وقت نمیگفتن خدا مهربونه. از خدا کمک بخواین تا کمکتون کنه. ما توی زندگی خودمون همیشه خشونت و ظلم و زور پدر و برادرهامون رو دیده بودیم و فکر میکردیم خدا هم به ما توجهی نداره یا ما رو نمی بخشه و عذاب سختی در انتظارمون هست".

"وقتی می‌دیدم بابام بر خلاف عقاید مذهبیش، بیرون از خونه با خانم‌های لوند و جذاب با نرمش برخورد می‌کنه ولی توی خونه میگه من محبتم رو کلامی ابراز نمی‌کنم، فکر می‌کردم پس یا من و مامانم عیب و نقصی داریم و اون خانم‌ها خوب هستند یا ما برای پدرم اهمیت نداریم و اون خانم‌ها براش مهم هستند. پس یک زن خوب باید سکسی و رومانتیک باشه. (مثل زنهای ... فیلم‌ها، ماهواره و اینترنت، ....)".

"با دوست پسرم فیلم می‌دیدیم، فیلم هایی که یه زن می‌تونست با چند نفر ارتباط داشته باشه. فکر می کردم دوست پسرم اینو می پسنده و حتما این رو ارزش زن می‌بینه. البته من خودم هم پیش‌زمینه ذهنی داشتم چون همیشه رنج و زجر کشیدن مامانم رو دیده بودم و این که بابام در حقش خیلی ظلم کرد، براش ارزشی قائل نبود و رفت یه زن دیگه گرفت. من نمی‌خواستم مثل اون باشم".

ISSN: 2476-3675
http://www.RassJournal.ir

۳) دوگانگی احساسی به پدر و جنس مخالف

رفتارهای نامناسب و متعارض پدر یا افراد منحرف در خانواده، کودک ناتوان و نیازمند توجه و آرامش را به گرداب تعارض فرو برده است. این احساسات دوگانه شاید مرتبط با تجارب کودکی آنان باشد. بی‌ثباتی عاطفی پدر، عدم کنترل هیجانات زودگذر و خشم در برخورد با همسر و فرزندان یا همزمان شدن تجربه ترس با رضایت یا لذت (ترس از رفتار بهره‌برداری جنسی در مقابل رضایت و لذت از دریافت پاداش) ممکن است مسبب این احساسات شده باشند.

"من عاشق بابام بودم ولی از بعضی کارهاش خیلی رنجش دارم. وقتی با مامانم دعوا میکردن، یارکشی میکرد و من از ترس این که بابام ناراحت نشه مجبور بودم اون رو انتخاب کنم ولی دلم برای مامانم هم می‌سوخت. وقتی بابام با مامانم قهر می‌کرد من رو بغل می‌کرد و می‌خوابید".

"وقتی شوهر خواهرم من رو می‌برد سینما یا گردش و برام بستنی می‌خرید خیلی خوشحال می‌شدم ولی وقتی اون کارها رو می‌کرد هم ازش می‌ترسیدم هم خجالت می‌کشیدم، از این که به کسی بگم چی شده و بابام بفهمه هم می‌ترسیدم. چون بابام خیلی عصبی و تعصبی بود".

۴) پنداشت ناهنجار از عشق و کامیابی (رابطه جنسی، کلید آرامش و کامیابی)

طبق اظهارات شرکت کنندگان، حضور الگوهای منحرف در خانواده یا محیط زندگی فرد، همچنین مشاهده بحث های والدین و احساس منفعل بودن مادر و سوء رفتار پدر در روابط زناشویی، نبودن حجب و حیا در گفتار و رفتار پدر در مورد موضوعات جنسی یا رفتار و دیدگاه او نسبت به زنان، انتخاب همسر مجدد، ترک کردن خانواده (غالبا از جانب پدر) و احساس خیانت در خانواده (مادر یا پدر)، این انتظار و تصور را ایجاد کرده است که رابطه جنسی، مهم‌ترین و ضروری‌ترین نیاز زندگی و ارجح‌ترین روش برای ایجاد آرامش است. احتمالا الگوهای جنسی (ارتباط واقعی یا مجازی) نیز در همانند سازی او تأثیرگذار بوده‌اند. زنانی که از دید او سمبل توانایی، شایستگی و برتری بوده‌اند. برای مثال برخی از آنان چنین گفته‌اند:

"پدرم خدای من بود. من بچه آخر خونه بودم و با من رابطه خیلی خوبی داشت. ولی با مادرم مشکل داشتن. همیشه سر مسائل جنسی دعوا داشتن. میل جنسی پدرم زیاد بود. من با خودم عهد کردم که مثل مامانم نباشم. بهترین زن دنیا باشم و اینقدر لوند و جذاب باشم و مرد خودم رو به حدی ارضا کنم که ازم ناراحت نشه و طرف هیچ کس نره. مثل اون خانم‌ها...".

"توی دوستی‌هایی که داشتم فهمیدم فقط من رو برای رابطه میخواستن. فیلم هایی که دیده بودم و چیزهایی که از دوستان و خانم های فامیل شنیده بودم هم تو ذهنم جا انداخته بود که آدما اگه با هم رابطه جنسی داشته باشن می‌تونند رابطه و دوستی خوبی با هم داشته باشند. فکر می‌کردم اگر فلانی با این آدم ... کرده پس حتما به نظرش خوب و به درد بخور بوده. بعد دیگه فکر می‌کردم هر کی دوستم داره حتما باید باهام ... داشته باشه و بهم توهین می‌شد اگه این کار رو نمی‌کرد".

بحث

اولین یافته پژوهش، نارضایتی از وجود و جنسیت است و احساس رنجش از ضعف زنانه و تبعیض جنسی و جنسیتی مفهوم‌های فرعی آن. طبق نتایج برخی مطالعات، احساس حسادت، همچنین نگرانی در مورد ارزیابی منفی دیگران یا رد شدن در دختران، شدیدتر از پسران است. این احساسات می‌تواند منجر به درونی کردن علائمی مانند عزت نفس پایین، اضطراب و توسعه مشکلات احساسی شود [۲۳]. در مطالعات تصویربرداری از مغز نیز گزارش شده که نوجوانان مؤنث و افراد با سبک دلبستگی اضطرابی، حساسیت خاصی به عدم پذیرش یا طرد شدن دارند[۲۴]. در مطالعه پریرا و همکاران نیز ضعف اعتماد به نفس درکودکی به عنوان یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های اعتیاد جنسی مطرح شده است [۲۵]. یک مطالعه متاآنالیز گزارش داده که کنترل زیاد و استبداد پدر با افزایش خشونت ارتباطی کودکان دختر ارتباط قابل توجهی دارد. این کودکان ممکن است قادر به توسعه حس مثبت خود-کارآمدی، استقلال روانشناختی و تعدیل احساس نباشند. محروم کردن کودک از محبت، می‌تواند موجب ضعف اعتماد به نفس و تعلق کودکان شود. دختران در مقایسه با پسران، تأکید بیشتری بر روابط زوجی یا دوتایی دارند و ممکن است با تعارض های ارتباطی زیادتری مواجه شوند [۲۶]. تجربه دردناک تبعیض جنسی و جنسیتی، شاید نوعی آزار عاطفی متأثر از زمینه فرهنگی خانواده باشد که توسط برخی از زنان شرکت کننده گزارش شده است. در تأیید این یافته، مطالعه مکفرسون و همکاران نشان داده که سوء رفتار عاطفی حین دوران کودکی، ارتباط زیادی با اعتیاد جنسی دارد [۲۷]. به عقیده وولی و رید(۲۰۰۶)، احساس درد عاطفی یا عدم کنترل بر احساسات، محرکی برای مشارکت این افراد در رفتارهای جنسی است [۲۸]. تمایل به جستجوی صمیمیت ممکن است موجب بروز اضطراب و ناراحتی شود و توانایی کنترل احساسات را کاهش دهد [۲۹].

در تأیید دومین یافته پژوهش یعنی جنسی شدن زنان، نتایج مطالعه کریسپی در مورد جامعه‌پذیری جنسیتی میان خانواده های انگلیسی نشان داده که نقش پدر در شکل گیری نگرش جنسیتی در فرزندان دختر مؤثرتر از پسران است [۳۰]. نگرش‌ها از طریق یادگیری و تجربه

ISSN: 2476-3675
http://www.RassJournal.ir

ایجاد می‌شوند و محصول تعامل عوامل احساسی، شناختی و فرایندهای رفتاری هستند [۳۱] بر اساس گفته‌های شرکت کنندگان، به نظر می‌رسد که احساس ضعف و تهدید جنسیتی از طریق دریافت پیام‌های فرهنگی (مستقیم و غیرمستقیم) درون خانواده و جامعه در این زنان درونی شده و موجب شده تا گروهی برای حفاظت از هویت و جبران ضعف عزت نفس خود در جستجوی انتقام و کنترل مردان برآیند و برخی با جلب توجه، تأیید و حمایت مردان، احساس ارزشمندی کنند و احساس حقارت و بی‌ارزشی خود را تخفیف دهند یا با دریافت عشق و محبت مردان به احساس تعلق، آرامش و معنی زندگی دست یابند. سازگاری مؤثر و مناسب با تهدید بسیار دشوار است. این سازگاری، مستلزم انتخاب یکی از اصول هویت به عنوان مهمترین اصل یا اولویت دادن یک نیاز به نیازهای دیگر، همزمان با حفظ انسجام در هویت و احساس مثبت از خود خواهد بود[۳۲, ۳۳]. جستجو برای یافتن هویت می‌تواند به منظور ایجاد کردن روابط اجتماعی با دیگران و دستیابی به این هدف باشد که من با چه افرادی می‌توانم منحصر به فردی خود را تأیید کنم. با تعلق به گروه متفاوت، احساس منحصر به فردی و تمایز و احساس تشابه، با هم بودن و یکی شدن یا حس تعلق ایجاد می‌شود [۳۴]. بر مبنای عقاید گافمن و نظریه مدیریت احساسات و تجارب، افراد در زندگی و تعاملات اجتماعی خود از استراتژی‌ها و روش‌هایی استفاده می‌کنند که مورد قبول و پذیرش دیگران واقع شوند و تلاش می‌کنند تا درک دیگران را نسبت به هویت خود تحت تأثیر قرار دهند [۳۵].

دوگانگی احساسی نسبت به پدر و جنس مخالف، از یافته‌های دیگر این پژوهش است. بر اساس نتایج مطالعه مایو و همکاران، دوگانگی احساسات و عقاید کودکان نسبت به پدر خود، ارتباط معناداری با دلبستگی ایمن بین او و سایر مردم دارد. بنابراین تعامل با پدر به عنوان یک مدل تعامل با دیگران عمل می‌کند و ممکن است سبک های دلبستگی به پدر را برای ارتباط با دیگران به کار بگیرند (دلبستگی اضطرابی یا اجتنابی). افرادی که دوگانگی نسبت به والدین دارند احتمالا بیش از دیگران در روابط عاشقانه خود فراز و نشیب دارند و ممکن است تغییرپذیری در روابط را تجربه کنند، به طوری که در اوقات خوب، روابط را مثبت و در اوقات بد، روابط را منفی ارزیابی می‌کنند [۳۶]. مکدونالد و همکاران (۲۰۱۲)، نیز در مطالعه خود به این نتیجه رسیده‌اند که احساس دوگانگی در ارتباطات نزدیک یا عاشقانه مربوط به دلبستگی ناایمن است. دوگانگی، نشانه درک تهدید اجتماعی (دغدغه عدم پذیرش و طرد شدن) و پاداش اجتماعی (فرصت برای صمیمیت) در روابط است. به عبارت دیگر احساس دوگانگی، تعارض بین ترس از طرد شدن و امید برای ارتباط است [۳۷].

زمانی که افراد در تعاملات خود با دیگران احساس طرد شدن می‌کنند، از آن گروه خاص دوری نموده و قضاوت یا دیدگاه خصمانه و خشن نسبت به آنها پیدا می‌کنند. اما در پاسخ به نیاز ارضا نشده برای حس تعلق و پیوستگی، در جستجوی برقراری ارتباطات جدید با شرکای اجتماعی بر می‌آیند [۳۸]. نیاز به تعلق بر عزت نفس فردی نیز تأثیرگذار است. برخی از پیامدهای عزت نفس پایین به عنوان واکنش در مقابل رد شدن واقعی توسط دیگران یا تصور ذهنی طرد شدن عبارتند از: افسردگی، سوء مصرف مواد، بزهکاری یا انحراف و اختلالات خوردن [۳۹]. مطالعات روانشناختی بیانگر این است که احساس تنهایی و طرد شدن اجتماعی منجر به ادراک بی معنی بودن زندگی (فقدان هدف، ارزش، کارآمدی و عزت نفس یا ارزشمندی خود) می‌شود [۴۰].

بر اساس آخرین یافته این پژوهش، احتمالا تجارب زندگی در دوران کودکی و نوجوانی موجب تغییر پنداشت و نگرش این زنان به سمت استفاده از رفتار جنسی گردیده است. او در پیام‌های فرهنگی دریافته که جاذبه و رابطه جنسی قدرتی برای زنان فراهم می‌سازد که از هیچ طریق دیگری نمی‌توانند به آن برسند زیرا هویت، ارزش و اعتبار زنان وابسته به مردان است. رسانه‌هایی که عشق را با رابطه جنسی به تصویر می‌کشد و آن را با صمیمیت جنسی معادل می‌کند به توسعه این نگرش منجر شده که روابط جنسی را رمز توانمندی و ارزش وجودی یا معنی زندگی خود بشناسد. بر اساس نظریه سیمون و گاگنون، افراد یک جامعه، تصور از امر جنسی و الگوهای رفتار جنسی را در سه نمایشنامه دریافت می‌کنند. سناریوی فرهنگی (الگوی مقبول و تأیید شده جامعه از امر جنسی)که در کنش‌های روزمره و بطن زمینه فرهنگی دریافت می‌شوند. سناریو یا نمایشنامه درون روانی که به شرایط روانی و شخصی فرد بستگی دارد و به تجارب کودکی، سن، جنس، نژاد و طبقه اجتماعی او بر می‌گردد و سناریوی میان‌فردی که اشاره دارد به روابط ما با اطرافیان و نوع برداشتی که از قضاوت آنها نسبت به خود داریم [۴۱].

ظاهرا تجارب جنسی زود هنگام (هوشیاری جنسی نامناسب) و جنسی شدن زنان در پیام‌های مستقیم و غیر مستقیم فرهنگی (از طریق خانواده، جامعه ملی و رسانه‌های بین المللی)، همزمان با خلأهای عاطفی، روانی مانند نیاز به تعلق، خود کارآمدی و عزت نفس یا ارزش وجودی، می‌تواند زمینه‌ساز هویت فعلی آنان؛ یعنی وابستگی به رفتارهای جنسی افراطی باشد [۳]. بنا به عقیده بامیستر و دیاموند، فرهنگ تأثیر عمیق‌تری بر نگرش، احساسات و رفتارهای جنسی زنان در مقایسه با مردان دارد. به عبارت دیگر، الگوی (طرحواره) جنسی زنان نسبت به اثرات (نفوذ) فرهنگی آسیب‌پذیری بیشتری دارد. زنان به دلیل فشارهای تکاملی و اجتماعی، گرایش جنسی انعطاف پذیر و سیال‌تری از مردان دارند. بنابراین احتمال بروز تغییر پذیری در طول زمان و بسته به زمینه در گرایش جنسی و رفتار جنسی آنان بیشتر خواهد بود [۴۲, ۴۳].

ISSN: 2476-3675
http://www.RassJournal.ir

نتیجه

با توجه به این که اجتماعی شدن کودک و درک معنا و مفهوم عشق و ارتباطات عاطفی، متأثر از رفتار و نگرش والدین است، احتمالا تجارب دردناک عاطفی با توسعه احساس تعارض یا ضعف جنسی و جنسیتی یا به عبارتی تهدید هویت فرد (به ویژه هویت جنسیتی) می‌تواند زمینه‌ساز گرایش به این نوع از اعتیاد باشد. نحوه نگرش والدین در زمینه جنسی، تأکید و توجه زیاد والدین به جنبه‌های جنسیتی و جنسی و تبعیض جنسیتی یا بها دادن کمتر به جنس زن، از جمله عوامل فرهنگی، روانی است که ممکن است با این اعتیاد در ارتباط باشد.

ISSN: 2476-3675
http://www.RassJournal.ir

منابع و مراجع

[1] J. E. Marcia, "Identity and Psychosocial Development in Adulthood.," *Identity: An International Journal of Theory and Research*, vol. 2, pp. 7-28, 2002.

[2] J. Kroger, M. Martinussen, and J. E. Marcia, "Identity status change during adolescence and young adulthood: A meta-analysis, *Journal of Adolescence*, vol. 33, pp. 683–698, 2010.

[3] J. Kroger, Identity development through adulthood: The move toward “wholeness.” in *The Oxford handbook of identity development*, K. C. McLean and M. Syed, Eds., ed Oxford, United Kingdom: Oxford University Press, 2015, pp. 65–80.

[4] M. D. Berzonsky, "Self-identity: The relationship between process and content," *Journal of Research in Personality*, vol. 28, pp. 453-460, 1994.

[5] M. D. Berzonsky, " The structure of identity: Commentary on Jane Kroger’s view of identity status transition.," *Identity: An International Journal of Theory and Research*, vol. 3, pp. 231-245, 2003.

[6] G. M. Breakwell, "Resisting Representations and Identity Processes," *Papers on Social Representations*, vol. 19, pp. 6.1-6.11 2010.

[7] G. M. Breakwell, *Coping with threatened identities.* London: Methuen., 1986.

[8] V. L. Vignoles, "Identity Motives," in *Handbook of identity theory and research*, S. J. e. a. Schwartz, Eds., ed: Springer science, 2011, pp. 403,404.

[9] P. L. Hammack, "The life course development of human sexual orientation: An integrative paradigm," *Human development*, vol. 48, pp. 267- 290, 2005.

[10] R. C. Savin-Williams and G. L. Ream, " Prevalence and stability of sexual orientation components during adolescence and young adulthood," *Archives of Sexual Behavior*, vol. 36, pp. 385–394, 2007.

[11] D. Fry, A. McCoy, and D. Swales, "The Consequences of Maltreatment on Children’s Lives: A Systematic Review of Data From the East Asia and Pacific Region," *Truma, Violence& Abuse* vol. 13, pp. 209-233, 2012.

[12] J. Riemersma and M. Sytsma, " A New Generation of Sexual Addiction," *Sexual Addiction & Compulsivity*, vol. 20, pp. 306-322, 2013.

[13] P. Carnes, *Don't call it love; Recovery from sexual addiction.* New York: Bantam, 1991.

[14] D. M. Opitz, S. V. Tsytsarev, and J. & Froh, Women’s sexual addiction and family dynamics, depression and substance abuse., *Sexual Addiction & Compulsivity*, vol. 16, pp. 324-340, 2009.

[15] B. Perera, M .Reece, P. Monahan, R. Billingham, and P. Finn, "Childhood characteristics and personal dispositions to sexually compulsive behavior among young adults," *Sexual Addiction & Compulsivity*, vol. 16, pp. 131– 145, 2009.

[16] K. Griffee, S. L. O’Keefe, S. S .Stroebel, K. W. Beard, S. Swindell, and D. H. Young, On the brink of paradigm change? Evidence for unexpected predictive relationships among sexual addiction, masturbation, sexual experimentation, and revictimization, child sexual abuse, and adult sexual risk. , *Sexual Addiction & Compulsivity*, vol. 19, pp. 225–264, 2012.

[17] R. C. Reid, Personal perspectives on hypersexual disorder, *Sexual Addiction& Compulsivity*, vol. 20, pp. 4- 18, 2013.

[18] R. C. Reid, Personal perspectives on hypersexual disorder, *Sexual Addiction& Compulsivity*, vol. 20, pp. 4- 18, 2013.

[19] C. G. Roller, Sexually compulsive/addictive behaviors in women: a women's healthcare issue, in *Journal Of Midwifery & Women's Health* vol. 52, ed. United States: Wiley, 2007, pp. 486-491.

ISSN: 2476-3675
http://www.RassJournal.ir

[20] M. H. Miner and E. Coleman, Compulsive sexual behavior and its relationship to risky sexual behavior., *Sexual Addiction & Compulsivity : The Journal of Treatment & Prevention,* vol. 20, pp. 127–138, 2013.

[21] C. G. Roller, "Sexually compulsive/addictive behaviors in women: a women's healthcare issue. ," *Journal Of Midwifery & Women's Health,* vol. 52, pp. 486-491, 2007.

[22] D. Berberovic, I. Jerkovic, and N. Brkic, IS Sexual Compulsivity General Problem of Young People in Serbia and Bosnia and Herzegovina or It Should Be Linked to Non-Heterosexual Population?, *International Journal of Scientific & Engineering Research,* vol. 3, pp. 1-9, 2012.

[23] A. J. Rose and K. D. Rudolph, A Review of Sex Differences in Peer Relationship Processes: Potential Trade-offs for the Emotional and Behavioral Development of Girls and Boys, *Psychology Bulletin,* vol. 132, pp. 98–131, 2006.

[24] P. Vrticka, D. Sander, B. Anderson, D. Badoud, S. Eliez, and M. Debbane, "Social feedback processing from early to late adolescence: influence of sex, age, and attachment style," *Brain and Behavior* pp. 1-18, 2014.

[25] B. Perera, M. Reece, P. Monahan, R. Billingham, &, and P. Finn, "Childhood characteristics and personal dispositions to sexually compulsive behavior among young adults.," *Sexual Addiction & Compulsivity,* vol. 16, pp. 131– 145, 2009.

[26] Y. Kawabata, R. A. A. Lenneke, W.-L. Tseng, M. H. v. IJzendoorn, and N. R. Crick, "Maternal and paternal parenting styles associated with relational aggression in children and adolescents: A conceptual analysis and meta-analytic review," *Developmental Review* vol. 31, pp. 240–278, 2011.

[27] S. McPherson, S. Clayton, H. Wood, S. Hiskey, and L. Andrews, "The Role of Childhood Experiences in the Development of Sexual Compulsivity," *Sexual Addiction & Compulsivity: The Journal of Treatment & Prevention,* vol. 20, pp. 259-278, 2013.

[28] R. C. Reid and S. R. Woolley, "Using Emotionally Focused Therapy for Couples to Resolve Attachment Ruptures Created by Hypersexual Behavior ",*Sexual Addiction & Compulsivity* vol. 13, pp. 219–239, 2006.

[29] J. Borelli, M. Crowley, D. David, D. Sbarra, G. Anderson, and L. Mayes, Attachment and emotion in school-aged children. , *Emotion,* vol. 10, pp. 475–485, 2010.

[30] I. Crespi, Gender socialization within family: a study on adolescents and their parents in graet Britain., 2003.

[31] L. R. Fabrigar, T. K. MacDonald, and D. T. Wegener. (2005). *The structure of attitudes* .

[32] M. B. Ligorio and A. C. Pugliese, "Self-positioning in a text-based virtual environment," *Identity: An International Journal of Theory and Research,* vol. 4, pp. 337-353, 2004.

[33] C. Van Halen and J. Janssen, The usage of space in dialogical self-construction: From Dante to cyberspace., *Identity: An International Journal of Theory and Research,* vol. 4, pp. 389-405, 2004.

[34] Z. Bauman, *Cambridge: Polity Press.Identity: Conversations with Bendetto Vecchi.* Cambridge: Polity Press., 2004.

[35] H. M. Schulz, "Exploring Dramaturgy in Consumer Research," *Journal of Research for Consumers,* pp. 1-14, 2012.

[36] G. R. Maio, F. D. Fincham, and E. J. Lycett, "Attitudinal Ambivalence Toward Parents and Attachment Style," *Personality and Social Psychology Bulletin* vol. 26, pp. 1451-1464, 2000.

[37] G. MacDonald, K. D .Locke, S. S. Spielmann, and S. Joel, "Insecure attachment predicts ambivalent social threat and reward perceptions in romantic relationships," *Journal of Social and Personal Relationships,* pp. 1-15, 2012.

ISSN: 2476-3675
http://www.RassJournal.ir

[38] J. K. Maner, C. N. DeWall, R. F. Baumeister, and M. Schaller, "Does Social Exclusion Motivate Interpersonal Reconnection? Resolving the “Porcupine Problem” " *Journal of Personality and Social Psychology*, vol. 92, pp. 42–55, 2007.

[39] V. L. Vignoles, C. Regalia, C. Manzi, J. Golledge, and E. Scabini, "Beyond Self-Esteem: Influence of Multiple Motives on Identity Construction," *Journal of Personality and Social Psychology*, vol. 90, pp. 308–333, 2006.

[40] T. F. Stillman, R. F. Baumeister, N. M. Lambert, A. W. Crescioni, C. N. DeWall, and F. D. Fincham, "Alone and Without Purpose: Life Loses Meaning Following Social Exclusion," *J Exp Soc Psychol*, vol. 45, pp. 686–694, 2009.

[41] J. H. Gagnon and W. Simon, *Sexual conduct: The social sources of human sexuality*. Chicago: Aldein Books 1973.

[42] R. F. Baumeister, Gender and erotic plasticity: Sociocultural influences on the sex drive. *Sexual and Relationship Therapy*, vol. 19, pp. 1468–1479, 2004.

[43] L. M. Diamond, The evolution of plasticity in female-female desire., *Psychology and Human Sexuality*, vol. 18, pp. 245–274, 2007.